

بررسی میزان آگاهی پرستاران بخشهای اطفال از مفهوم سوء رفتار با کودک در بیمارستانهای آموزشی تهران، سال ۱۳۶۷

تحصیلات کاردانی تا کارشناسی ارشد داشته اند، بطور تصادفی مورد بررسی قرار گرفته اند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است که از طریق مراجعه پژوهشگر به محیطهای پژوهش (بیمارستانهای آموزشی شهر تهران که شامل بیمارستان عمومی که حداقل دارای یک بخش اطفال باشد و بیمارستان تخصصی کودکان) جمع آوری شده است.

یافته ها و نتایج این بررسی، به کمک روشهای آماری به کار گرفته شده نشان داده است که متغیرهایی همچون سطح تحصیلات بالاتر، طی نمودن کلاسهای آموزشی کوتاه مدت (آموزش ضمن خدمت)، منبع اطلاعاتی از رسانه های گروهی و بویژه کسب اطلاع از کلاسهای دوره تحصیل در پرستاری، رابطه معنی داری با میزان آگاهی مطلوب از مفهوم سوء رفتار با کودک داشته است، لکن متغیرهایی نظیر سن، وضع تاهل، تعداد فرزندان، سابقه کار، سابقه کاردر بخش اطفال، همبستگی و رابطه معنی داری را با آگاهی از مساله مورد تحقیق نداشته است. در پایان، کاربرد یافته ها در آموزش پرستاری و پیشنهاداتی جهت پژوهشهای بعدی ارائه گردید.

بیان مساله پژوهش:

از آنجائیکه شخصیت اصیل انسان بالغ و رشد یافته به چگونگی دوره کودکی مربوط می شود، افراد صاحب نظر، نظیر "مارگرت مید" (۱) "بررسی و تحقیق

پژوهشگر: فریده باستانی، کارشناس ارشد پرستاری
استاد راهنما: خانم دکتر فاطمه دباغی، عضو هیات
علمی دانشکده پرستاری و مامائی دانشگاه علوم
پزشکی ایران

استاد مشاور: خانم دکتر زرین تاج کیهانی دوست
عضو هیات علمی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم
پزشکی تهران

استاد امار: آقای دکتر محمود محمودی، عضو
هیات علمی دانشکده بهداشت دانشگاه تهران

چکیده پژوهش:

این پژوهش یک مطالعه توصیفی - تحلیلی بوده است که به منظور بررسی میزان آگاهی پرستاران بخشهای اطفال از مفهوم "سوء رفتار با کودک" در بیمارستانهای آموزشی شهر تهران انجام گردیده است. به طور کلی، پرستاران مسئولیت خطیری در قبال این مساله روز جهانی دارا می باشند. این قشر از تیم بهداشتی - درمانی، یعنی پرستاران می باید آگاهی و دانش لازم را از مفهوم سوء رفتار با کودک و انواع آن و نیز تشخیص و پاتوفیزیولوژی کودک آزاری و نهایتاً از تدابیر پرستاری که شامل پیشگیری، درمان، ردیابی و گزارش نمودن موارد می باشد دارا باشند. در این تحقیق، مساله سوء رفتار و غفلت از کودک به جز جنبه جنسی، در تمامی جنبه های فیزیکی (حاد یا مزمن)، روانی، کلامی، اجتماعی و آموزشی مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش، ۱۰۰ پرستار فارغ التحصیل که سطح

موضوع مربوط به کودک رادر این قرن، رقیبی برای هنر، ادبیات و علوم اجتماعی دانسته اند. قرن حاضر، شاهد توجه روز افزون به کودک و دنیای کودکی می باشد، بنحوی که قرن بیستم، قرن کودک نام گرفت و روشهای پژوهشی علمی و قابل اعتمادی برای تحقیق در این خصوص مطرح گردید. در این رابطه، سازمان شورای بین المللی علوم پزشکی و سازمانی بهداشت جهانی در سال ۱۹۸۶ بیان داشته اند که مساله سوء رفتار با کودک (کودک آزاری) رو به فزونی است.

سوء رفتار و غفلت از کودکان، زوجین و... اغلب به علت خشونت و بی حرمتی در محیط خانواده و مدرسه صورت می گیرد. حتی خشونت توسط یک فرد نسبت به همسر باردارش، یکی از انواع سوء رفتار با کودک در قبل از تولد (پره ناتال) به حساب می آید و چه بسا این تعدی، احتمال عقب ماندگی در رشد و تکامل و/یا قتل کودک را به همراه خواهد داشت، هرچند که موارد کودک آزاری و غفلت از کودک، بعد از تولد نیز بسیار فراوان رخ می دهد که یکی از مسائل مورد توجه پزشکان، پرستاران و مراقبین حرفه ای کودکان می باشد. در این خصوص، گزارش سالانه یونیسف تکان دهنده است که در سال ۱۹۸۸ بیان می دارد که "از هر سه مرگ، یکی مرگ کودک است". به عبارتی هر هفته ۲۵۰۰۰۰ کودک به کام مرگ می رود و به همین تعداد هم ناقص و فلج و عقب مانده جسمی و ذهنی به حیات خود ادامه می دهند. سه مسئولیت خطیر برای پزشکان در خصوص ردیابی و تشخیص، گزارش نمودن و پیشگیری در این موارد حائز اهمیت فراوان است و از نظر طبقه بندی سوء رفتار در اطفال کمتر از ۶ ماهه، ۷۰ درصد آزار فیزیکی، ۲۵ درصد آزار جنسی و ۵ درصد عقب ماندگی رشد (F.T.T) به علت تغذیه ناکافی بویژه در نوزادان نارس می باشد. متأسفانه ۹۰ درصد این تعدی ها از سوی والدین یا مراقبین دیگر کودک اعمال می شود.

سوء رفتار با کودک در تمام سنین کودکی، از دوره جنینی تا دوره نهایی بلوغ و در تمام طبقات اجتماعی - اقتصادی رخ می دهد. در ایالات متحده، ۳۰ درصد از ۲ میلیون کودکی که هر ساله مورد آزار متوسط یا شدید قرار گرفته اند، حدود ۱ میلیون، گزارش رسمی شده اند و به ۶۰۰۰۰ کودک صدمات مشخص وارد آمده است. ۲۰۰۰ تن از کودکان جان باخته اند و ۶۰۰۰ تن دیگر به صدمات مغزی دائمی گرفتار شده اند. در این ارتباط در سال ۱۹۶۱، پدیده کودک آزاری و سوء رفتار با کودک، "سندرم کودکان مورد ضرب و شتم قرار گرفته" لقب گرفت. برای مثال، حملات فیزیکی بر علیه کودک، چسباندن فلز داغ یا سیگار روی بدن طفل که باعث سوختگی با درجات متفاوت می شد و/یا ضربات وارده که منجر به شکستگی استخوانها، خونریزی داخلی و گاهی مرگ یا حتی تجاوزات جنسی، جنبه وسیع تری از کودک آزاری را به نمایش می گذارد. بطوریکه در ایالات متحده، کودک آزاری و غفلت، در رده پنجم علل مرگ و میر کودکان کم سن و سال می باشد.

از سوی دیگر، امروزه متأسفانه، عدم مراقبت و نگهداری صحیح از شیرخواران و کودکان در فرم آزارهای شدید فیزیکی چندان نامحسوس نیست و معمولاً "کودکان کم سن و سال که قادر به محافظت از خود نیستند آسیب پذیرتر میباشند. آمار نشان میدهد که حدود ۲۵ درصد شکستگی های کودکان زیر سه سال، از نتیجه سوء رفتار بزرگسالان (بویژه والدین) با کودکان است. به عقیده نلسون کودک آزاری به هر نوع سوء رفتار با کودکان و نوجوانان توسط والدین، مراقبین و محافظین خلاصه می شود و برخلاف تصور، طیف آزار و غفلت و رهاشدگی در کودک بسیار وسیع می باشد.

برخی صاحب نظران معتقدند که ضرب و جرح و سوء رفتار بر علیه کودک، بعلاوه یک واقعه تنش زا رخ

چهارچوب پنداشتی:

چهارچوب پنداشتی این پژوهش بطورکلی براساس مفهوم سوء رفتار با کودک (کودک آزاری و غفلت از کودک) و بطور فرعی در زمینه ۱- سوء رفتار با کودک و انواع آن، ۲- تشخیص سوء رفتار با کودک و پاتوفیزیولوژی آن و بالاخره ۳- تدابیر پرستاری در موارد سوء رفتار با کودک استوار است. باتوجه به اینکه ریشه بسیاری از ناسازگاریها، انحرافات و کج رویهای افراد در دوران بزرگسالی را باید ناشی از دوران کودکی و متاثر از روشهای غلط برخورد و رفتار والدین و سایرین با کودک دانست، جنبه هایی مانند خشونت، بی مهربی و بی توجهی، بدزبانی و... والدین و دیگران در سرنوشت کودکان بی اثر نبوده است، که این موارد تحت تاثیر دهها عامل مادی و غیر مادی از فرهنگ و اجتماع و محیط منشاء گرفته است. ضمن اینکه نقش افکار و فلسفه ها را نمی باید از نظر دور داشت و عواملی را که اثر سوء مستقیم و غیرمستقیم در کودک می گذارد را می بایست بخوبی تجزیه و تحلیل و شناسایی نمود، در این رابطه تیم بهداشتی - درمانی بخصوص پرستاران اطفال نقش مهمی را در این حیطه و کلاً سلامت و بهداشت کودکان و نوجوانان دارا می باشند.

اهداف پژوهش:

هدف کلی

تعیین میزان آگاهی پرستاران بخشهای اطفال از مفهوم سوء رفتار با کودک در بیمارستانهای آموزشی شهر

تهران

اهداف ویژه:

۱- تعیین میزان آگاهی پرستاران اطفال از مفهوم سوء رفتار با کودک و انواع آن

میدهد بطوریکه ایگستی و کلمن^(۱) بیان میدارند که برای یک پرستار لازم و ضروری است که یک درک کلی از پدیده یا وقوع "بحران" و "تنش" داشته باشد. برای مثال دریک مطالعه درموردنارسایی در رشد (F.T.T) ۴۱ درصد از ۳۹ شیرخواری که وزن موقع تولدشان زیر ۵پوند بوده، دارای مادرانی بوده اند که حاملگی های پراز تنش و ناراحتی داشته اند. بطورکلی در درک موارد سوء رفتار با کودکان، عوامل بسیاری دخالت داشته است که از آن جمله استرسهای خانوادگی، فقر و تنگدستی (درآمد کم)، خانواده پرجمعیت و شلوغ، سطح آموزشی تحصیلاتی فرهنگی پایین، نداشتن مسکن مناسب، درگیریهای زناشویی، جدا بودن خانواده از نظر اجتماعی و اعتیاد والدین یا مراقبین دیگر کودک می باشند. به نظر مارلو، حتی خشونت آگاهانه یا غیر عمدی همسر نسبت به زن باردار خود، یکی از انواع کودک آزاری پره ناتال تلقی میشود که این امر گاه منجر به عقب ماندگی، نقص یا مرگ جنین و طفل میشود که میتواند یکی از مشکلات جدی تشخیص افراد حرفه ای بهداشتی - درمانی، بویژه پرستاران محسوب گردد زیرا صاحب نظران مسائل کودک معتقدند موضوع کودک آزاری می بایست از سوی تیم بهداشتی - درمانی از جمله پرستاران در اسرع وقت تشخیص داده شده و ضمن اینکه کودک تحت حمایت و درمان و پیگیری قرار می گیرد، این موارد دقیقاً به مراجع ذیصلاح گزارش گردد. لذا باتوجه به نقش پیشگیری کننده، آموزشی و حمایتی و مشاوره ای پرستاران اطفال، بررسی آگاهی این قشر از تیم بهداشتی - درمانی در خصوص این مفهوم وسیع و پیچیده کودک آزاری مورد اهمیت و تحقیق قرار گرفت.

محیط پژوهش:

محیط پژوهش، بیمارستانهای آموزشی شهرتهران می باشد که کلیه واحدهای مورد بررسی در آنها به کنار اشتغال داشته اند. این بیمارستانها شامل بیمارستانهای تخصصی کودکان که دارای بخشهای اطفال بوده است و نیز بیمارستانهای عمومی که حداقل دارای یک بخش اطفال اند می باشد.

ابزار گردآوری داده ها:

در این پژوهش ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه می باشد که توسط پژوهشگر به واحدهای مورد پژوهش، در بیمارستانهای منتخب ذکر شده ارائه شد. پرسشنامه توسط پژوهشگر بین پرستاران اطفال توزیع و پس از پاسخ دادن به سوالات جمع آوری گردید. لازم به یادآوری است که جهت کسب اعتبار علمی پرسشنامه تنظیم شده، علاوه بر استفاده از کتب و نشریات و منابع موجود در زمینه موضوع مورد مطالعه، از نظرات اساتید دانشکده پرستاری - مامایی علوم پزشکی ایران نیز استفاده شد. برای کسب اعتماد علمی پرسشنامه، به روش دونیمه کردن، مورد سنجش قرار گرفت.

روش تجزیه و تحلیل داده ها:

جهت دستیابی به هدف کلی این پژوهش، از طریق سوالات پژوهش، داده های کسب شده به صورت جداول توزیع فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و آزمون آماری کای اسکور (χ^2) و ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون محاسبه گردید. بعبارتی از آمار توصیفی برای نشان دادن وضعیت موجود و از آمار استنباطی، جهت پی بردن به وجود یا عدم وجود همبستگی بین صفات کیفی استفاده شده است. لازم به ذکر است که در خاتمه محاسبات آماری، جهت تعیین ارتباط بین آگاهی کلی از موضوع مورد پژوهش و آگاهی

۲- تعیین میزان آگاهی پرستاران اطفال از تشخیص و پاتوفیزیولوژی کودک آزاری
۳- تعیین میزان آگاهی پرستاران اطفال از تدابیر پرستاری در سوء رفتار با کودک

نوع پژوهش:

این پژوهش یک مطالعه توصیفی - تحلیلی است که بمنظور تعیین میزان آگاهی پرستاران اطفال از مفهوم سوء رفتار با کودک از دو جنبه سنجش توصیفی و تحلیلی بوده است.

جامعه پژوهش:

جامعه پژوهش، عبارت است از پرستاران بخشهای اطفال بیمارستانهای آموزشی شهرتهران که واجد شرایط و معیارهای تعیین شده برای واحدهای مورد پژوهش می باشد.

نمونه پژوهش و روش نمونه گیری:

بر اساس مطالعات قبلی و اینکه این پژوهش مطالعه یک گروه خاص جمعیتی را به نمایش می گذارد، از طریق روش نمونه گیری تصادفی، ۱۰۰ نمونه جهت بررسی موضوع تعیین گردید.

مشخصات واحدهای مورد پژوهش:

۱- کلیه پرستاران، حداقل دارای مدرک کاردانی پرستاری و حداکثر کارشناسی ارشد پرستاری باشند.
۲- کلیه پرستاران به هنگام انجام پژوهش، در بخش اطفال بیمارستانها مشغول به کار باشند.
۳- کلیه پرستاران، روزهای انجام پژوهش، به هیچگونه بیماری یا اختلال جسمی، روانی مبتلا نباشند.

پیشنهادات برای کاربرد یافته‌ها:

در این بخش از پژوهش، براساس یافته‌ها، متغیرهای سطح تحصیلات، دوره آموزشی، منابع اطلاعاتی از رسانه‌های گروهی و کلاسهای دوره تحصیل در میزان آگاهی پرستاران بخشهای اطفال از مفهوم سوء رفتار با کودک یا عبارتی کودک آزاری تاثیر داشته است که با توجه به این مطلب پژوهشگر پیشنهاد می‌نماید، مسئولین و مدیران محترم پرستاری، نقش آموزش ضمن خدمت برای پرسنل پرستاری و ویژه پرستاران اطفال را جدی تلقی نمایند، زیرا موضوع سوء رفتار با کودک طبق تاکید صاحب نظران یک مساله جهانی است و متخصص یک جامعه نبوده نیست. از آنجائیکه متغیر کلاسهای دوره تحصیل به عنوان منبع اطلاعاتی نقش اساسی را دارا بوده است پیشنهاد می‌گردد در محتوای درسی واحد پرستاری و بهداشت کودکان، مسائلی از قبیل سوء رفتار با کودک که در کتابهای معتبر علمی، پرستاری اطفال و روان پرستاری بدان اشارات فراوان شده است، بیشتر مدنظر قرار گیرد. لذا نقش اساتید و مربیان محترم پرستاری در آموزش و بحث و تبادل نظر در این قبیل مسائل جهت القای نقش مشاوره‌ای برای خانواده‌های نیازمند و درگیر با این مساله حائز اهمیت خواهد بود. همچنین مسئولین محترم وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باید تاکید بیشتری در جهت گزارش نمودن موارد سوء رفتار با کودک از سوی پزشکان اطفال و پرستاران، مددکاران اجتماعی، روانشناسان و مسئولین مدارس و مهدکودکها به عمل آورند. بنابراین پیشنهاد می‌شود مؤسسه و واحد ویژه‌ای جهت ثبت موارد ذکر شده از سوء رفتار و غفلت و طرد کودک اختصاص یافته و قانون نیز، افراد مسئول و حرفه‌ای درگیر در این مساله را که اقدام به گزارش می‌نمایند حمایت نموده و قانون خاصی در مورد حقوق کودک وضع گردد. همچنانکه از

از سه طبقه فرعی دیگر، از طریق رگرسیون بدست آمده توسط رایانه به روش استپ وایز با سیستم اس.پی.اس.اس (SPSS) انجام گردید.

نتیجه‌گیری نهایی:

نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل این پژوهش بیانگر این مطالب بوده است که آگاهی اکثریت واحدهای مورد پژوهش در ارتباط با اولین سؤال مورد پژوهش که "آگاهی پرستاران اطفال از مفهوم سوء رفتار با کودک و انواع آن چقدر است؟" کم بوده، بطوریکه ۲۸٪ از پرستاران مورد مطالعه در رده آگاهی خوب قرار داشتند، ۴۹٪ متوسط و ۲۳٪ در آگاهی ضعیف قرار داشتند. طبق محاسبات آماری، متغیرهای سطح تحصیلات، منابع اطلاعاتی از رسانه‌های گروهی و دوره کلاسهای آموزشی و کلاسهای دوره تحصیل، در آگاهی تاثیر داشته است، اما در رابطه با سؤال دوم این پژوهش که عبارت است از "میزان آگاهی پرستاران بخشهای اطفال از تشخیص و پاتوفیزیولوژی کودک آزاری چگونه است؟" از یافته‌های حاصل نتیجه‌گیری شد که میزان آگاهی پرستاران از تشخیص سوء رفتار با کودک کم بوده است بطوریکه ۴۳٪ از پرستاران مورد مطالعه، آگاهی ضعیف داشته، ۳۴٪ متوسط و ۲۳٪ آگاهی خوب را دارا بودند. در مورد سؤال سوم پژوهش که عبارتست از "میزان آگاهی پرستاران بخشهای اطفال از تدابیر پرستاری از سوء رفتار با کودک چقدر است؟" یافته‌ها نشان می‌دهند که آگاهی پرستاران بخشهای اطفال از این سؤال رضایتبخش نبوده که در واقع ۲۵٪ دارای آگاهی ضعیف، ۵۷٪ آگاهی متوسط و فقط ۱۸ درصد از آگاهی خوب برخوردار بوده‌اند که برای مثال هیچیک از متغیرها به جز کلاسهای دوره تحصیل در میزان آگاهی آنها تاثیر نگذارده است. بنابراین در این پژوهش با دستیابی به یافته‌ها، پیشنهادات جهت پژوهشهای بعدی ارائه گردید.

منابع:

- شرفی، محمدرضا. مراحل رشد و تحول انسان. تهران:

انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴.

- شعاری نژاد، علی اکبر. فرهنگ علوم رفتاری. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.

- گران، ج، پ، "وضعیت کودکان جهان در سال ۱۹۸۸" ترجمه حمیدرضا حسینی. بهداشت جهان، سال سوم، شماره سوم، اردیبهشت ۱۳۶۷.

1- Eigsti, Diane Gerber, Cleman Susan Ann; and Mc Guire, Sandra L. *Comprehensive Family and Community Nursing*. New York: Mc - Graw Hill book Company, 1981.

2- Knope, Irgahnjay. *Childhood Psychopathology . A Developmental Approach*. 2nd ed. New jersey: Printic. Hall Inc. 1984.

3- Marlow, Dorothy R. ; and Redding Barbara A. *Textbook of Pediatric Nursing*. 6th ed. Philadelphia: W.B Saunders Co. 1988.

4- Nelson, Wald, E ; Behraman, Richard E; and Vaughn, Victor C. *Textbook of pediatrics*. 13th ed. Philadelphia : W.B. Saunders Co , 1987.

5- Smith Marjorie j; et al. *Child and Family. Concept of Nursing Practice*. New York: Mc-Graw Hill book Company. 1982.

6- Whaley, Lueille F.; and Wong, Donna L. *Nursing Care of Infants and Children*. St louise : C.V. Mosby Co. 1987.

دیدگاه اسلام نیز حمایت از کودکان و مظلومین بطور کلی با اهمیت تلقی می گردد. از این رو به عنوان پشتوانه پیشنهاد فوق الذکر فراهم شدن امکانات آموزشی، نیروی انسانی و... رشته تخصصی پرستاری بهداشت خانواده و بهداشت مدارس مدنظر قرار گرفته که نهایتاً گام موثری در جهت رفع مشکلات بهداشتی - درمانی در ارتباط با مسائل خانوادگی، آموزشی، تربیتی و رفتاری خواهد بود.

پیشنهاد جهت پژوهشهای بعدی:

به دانش پژوهان پرستاری و سایر رشته ها و محققانی که در زمینه مسائل کودکان و نوجوانان فعال بوده و علاقمند میباشند، پیشنهادهای جهت تحقیقات آتی ارائه می گردد که عبارتند از:

- ۱- بررسی میزان آگاهی معلمان مدارس ابتدایی از مفهوم "سوء رفتار با کودک".
- ۲- بررسی وضعیت اقتصادی - اجتماعی کودکانی که مورد سوء رفتار واقع می شوند.
- ۳- بررسی وضعیت روانی - اجتماعی والدینی که کودکان خود را مورد سوء رفتار و غفلت قرار می دهند.
- ۴- بررسی وضعیت روانی - عاطفی مادرانی که کودک مبتلا به اف - تی - تی (۱) دارند.
- ۵- بررسی نگرش کودکان سن مدرسه، نسبت به سوء رفتار فیزیکی و روانی آنان توسط والدین.
- ۶- بررسی نگرش معلمان مدارس ابتدایی نسبت به تادیب و دیسیپلین در کودک.
- ۷- بررسی آراء علماء اسلامی و مکتب های دیگر نسبت به رفتار با کودک.
- ۸- بررسی روند تکامل جنسی، روانی و اجتماعی کودکان و نوجوانانی که مورد سوء رفتار جنسی واقع می شوند.

An Assessment of the knowledge of nurses working in pediatric wards regarding the concept of "child Abuse " in Tehran (1988).

by : Farideh Bastani

The research is a descriptive analytic study for assessing the knowledge of nurses, working in pediatric wards regarding the concept of Child Abuse in Tehran.

A total of 100 pediatric nurses who worked in general and sick-children hospitals were chosen randomly and participated in this study. Data collection was performed with a questionnaire . The tool was a two part questionnaire with the first part including demographic characteristics of the subjects, like age, .sex. marriage, past experience in nursing and experience on children units. The second pan posed questions regarding the assessment of knowledge towards the concept of child abuse", The procedures used for data analysis were percentage of absolute and relative frequency, chi-square test, and pearson coefficient of correlation .

The results of this study showed that, there are significant differences between high level of awarenes of surveyed nurses and level of their eduction more than B Sc. degree . passing short- period education regarding the research matter and the acquiring information from mass- media and academic education in nursing . On the other hand . there is no relationship between the nurses knowledge about child abuse problem and factors such as: age, marriage situation, and job records in pediatric units , The overall findings revealed that the nurses awareness rate in most of the cases (49%) were medium and in least of the cases (23%) were low and in 28% of the participants were high in relation to the final goal Based on die findings , suggestions for further research and implementation of the findings in different areas of practice were made .